



کدام است و فلسفه نهایی تألیف این اثر چیست؟

■ **در پژوهش مستقلی که در این باره انجام داده و به کنگره بزرگداشت آیت الله العظمی میلانی ارسال کرده‌اید، بر این موضوع تمرکز دارید که کتاب «قادتنا کیف نعرفهم»، فراتر از یک اثر صرفاً فضایل نگارانه است. پشتوانه این ادعا چیست و این وجه تمایز بسیار مهم را در کدام بخش اثر شناسایی کرده‌اید؟**

همان‌طور که اشاره کردید، در پژوهشی که به کنگره حضرت آیت الله العظمی میلانی تقدیم شد، تلاش کردم نشان دهم کتاب «قادتنا کیف نعرفهم» فراتر از فضایل نگاری رایج در سنت نویسندگان مسلمان-چه شیعه و چه اهل سنت- است. همان‌طور که مخاطبان اهل فضل این گفت‌وگو می‌دانند، در طول تاریخ اسلام، نویسندگان مسلمان همواره کوشش کرده‌اند درباره اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آثاری تألیف کنند. بخش بزرگی از این آثار در قالب «فضایل نگاری مذهبی» قابل طبقه‌بندی است. در این گونه آثار، مؤلف از باب اظهار محبت، مودت و عرض ارادت به اهل بیت علیهم السلام، مجموعه‌ای از احادیث مرتبط با فضایل و مناقب ایشان و گاهی بخشی از تاریخ و سیره آنان را گردآوری و گزارش می‌کند. این سبک نوشتار، اهداف متعددی را دنبال می‌کرده‌است؛ از جمله تقرب معنوی، ذخیره‌سازی برای آخرت، یا صرفاً ابراز محبت. فضایل نگاری در فرهنگ اسلامی جلوه‌های متعددی دارد و در طبقه علما، محدثان و محققان، خود را در قالب مناقب نگاری، سیره نگاری و گردآوری احادیث نشان می‌دهد. این آثار غالباً حدیث گرا، اخباری مسلک و مبتنی بر جمع‌آوری گزارش‌ها هستند. پرسش اصلی این است که آیا حضرت آیت الله العظمی میلانی نیز در تألیف این کتاب، صرفاً به دنبال همین هدف بوده‌است؟ آیا این کتاب نیز تنها کوششی در امتداد همان سنت رایج فضایل نگاری است؟ یا اینکه انگیزه، هدف و افق متفاوتی در پس این اثر نهفته است؟ پاسخ این است که کتاب «قادتنا کیف نعرفهم» واجد انگیزه و هدفی فراتر از فضایل نگاری صرف است؛ معتقدم که این اثر، یک نگاه متمایز به موضوع مناقب اهل بیت علیهم السلام ارائه می‌دهد و حامل یک «نظریه پنهان» در باب رهبری، مرجعیت دینی و مشروعیت حکمرانی است. بر همین اساس، در پژوهش مورد بحث، ویژگی‌های روش شناختی این کتاب را بررسی

پیشوایان شیعه علیهم السلام می‌گوییم: «السلام علیکم یا... قادة الأمم، وأولیاء النعم». خود این عنوان، بار معنایی ویژه‌ای دارد و می‌تواند جهت‌گیری کلی کتاب را نشان دهد. به اعتقاد ما، در کتاب پژوهی و شناخت ژرف اندیشه‌های یک مؤلف، عنوان کتاب از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. عنوان‌های علمی که برخاسته از نگرش و نظریه پنهان مؤلف باشند، بسیار حائز اهمیت هستند. اما به عنوان مقدمه لازم است توضیحاتی درباره الگوی کتاب پژوهی ارائه کنم و بعد به سراغ بحث اصلی بروم. مستحضر هستید که در کتاب پژوهی، به عنوان ابزاری برای شناخت نظریه مؤلف، چند رهیافت یا الگو وجود دارد. به عبارت دیگر، هدف ما از کتاب پژوهی صرفاً شناخت یک کتاب به خودی خود نیست، بلکه کتاب را به مثابه پلی برای دست‌یابی به ذهنیت و نظریه مؤلف تلقی می‌کنیم. از این منظر، از طریق بازخوانی و بازپژوهی کتاب، می‌کوشیم به این پرسش‌ها پاسخ دهیم که اولاً ذهنیت مؤلف در این اثر چیست؟ ثانیاً مؤلف به دنبال چه هدفی بوده‌است؟ ثالثاً چرا این مطالب را در این کتاب مطرح کرده‌است؟ و رابعاً این کتاب چه نسبتی با زمانه و شرایط تاریخی مؤلف دارد؟ به بیان دقیق‌تر، می‌خواهیم بدانیم چه علل و عواملی سبب شده‌است که حضرت آیت الله العظمی سید محمد هادی میلانی رضوان الله تعالی علیه، این کتاب را تألیف کند و غرض و هدف نهایی ایشان از نگارش این اثر چه بوده‌است؟ یا به تعبیر امروزی، «فلسفه تألیف» این کتاب چیست؟ برای تحقق این هدف، در کتاب پژوهی دو الگو یا رهیافت اصلی داریم. رهیافت نخست، الگویی است که از آن با عنوان «معرفی کتاب» یاد می‌شود. این رویکرد بیشتر در میان کتابداران و کتاب‌شناسان رایج است. در این الگو، یک اثر بر اساس عنوان، موضوع و محورهای اصلی، رده‌بندی و طبقه‌بندی می‌شود. این رویکرد ماهیتی صوری، شکلی و موضوع‌محور دارد. بر اساس این الگو، کتاب «قادتنا کیف نعرفهم»، به دلیل ارتباطش با تاریخ، سیره و فضایل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، معمولاً ذیل گونه یا رده «فضایل نگاری مذهبی» طبقه‌بندی می‌شود. البته مستحضرید که نقدی‌های جدی بر چنین رده‌بندی‌هایی وارد شده. یکی از مهم‌ترین نقدها این است که این نوع طبقه‌بندی‌ها، ناتوان از کشف و بازنمایی نظریه مؤلف در یک اثر هستند. رهیافت دوم، آن چیزی است که ما از آن با عنوان «رهیافت محتواگرا» یا «معناگرا» یاد می‌کنیم. در این رویکرد، کوشش بر این است که نظریه مؤلف و ذهنیت فکری او از خلال پژوهش در خود اثر آشکار شود و کتاب در جایگاه واقعی‌اش در میان مجموعه آثار مشابه و همگون قرار گیرد. بنابراین و به‌طور خلاصه، دورویکرد کلی در بررسی کتاب «قادتنا کیف نعرفهم» قابل طرح است؛ یک رویکرد، بیشتر به صورت، ظاهر و کالبد اثر توجه دارد و رویکرد دیگر، بر معنا، روح اثر و نظریه و ذهنیت مؤلف تمرکز می‌کند. در این گفت‌وگو، سخن و بررسی ما بر پایه رهیافت دوم شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، قصد داریم ضمن ارائه یک نقد اجمالی بر طبقه‌بندی صوری و فرم‌گرایانه این کتاب، بر اساس رهیافت معناگرا بررسی کنیم که حضرت آیت الله العظمی میلانی در این اثر دقیقاً به دنبال چه هدفی بوده؟ ویژگی‌های روش‌شناسی ایشان

کردم و به این نتیجه رسیدم که آیت الله العظمی میلانی در تألیف این اثر، به مجموعه‌ای از اصول روش‌مند پایبند بوده‌است که نشان می‌دهد ایشان صرفاً به تجمیع و تنظیم اخبار نپرداخته، بلکه یک تحقیق منسجم و هدفمند را سامان داده‌است.

■ **به موضوع مهمی اشاره کردید؛ مسئله روش‌شناسی برای درک بهتر ارزش‌های کتاب «قادتنا کیف نعرفهم» ضرورت اساسی دارد. ویژگی‌های مهم روش‌شناسی این اثر گران قدر شامل چه مواردی می‌شود؟**

این سؤال، پرسشی بسیار اساسی و راهبردی است. با توجه به شخصیت علمی حضرت آیت الله العظمی میلانی، انتظار هم همین است که ما با یک انسجام فکری در آثار ایشان مواجه باشیم؛ چه در نوشته‌ها و چه در درس‌گفتارهایشان. در این اثر نیز، دقیقاً با همین انسجام روش شناختی روبه‌رو هستیم. در جریان پژوهشی که انجام دادم، به تدریج به این نتیجه رسیدم که ایشان در فرایند تألیف کتاب به مجموعه‌ای از اصول روشن و منسجم التزام جدی دارند. این اصول، در سراسر اثر، به‌ویژه در مجموعه پنج‌جلدی که اخیراً با تحقیق، تتبع و تعلیقات گسترده منتشر شده، قابل ردیابی است. رد پای این اصول را می‌توان در تمام بخش‌ها و مجلدات مشاهده کرد. همان‌طور که اشاره کردم، این التزام عملی به اصول روش شناختی نشان می‌دهد که آیت الله العظمی میلانی در این جا صرفاً دست به گردآوری و تجمیع اخبار نزده‌است، بلکه با یک تحقیق روشمند و هدفمند مواجه هستیم. این نکته، خود یکی از وجوه تمایز اساسی این اثر با بسیاری از آثار فضایل نگارانه پیشین است که عمدتاً به نقل، تنظیم و گزارش اخبار بسنده می‌کرده‌اند. اما این اصول روش‌شناسی چه هستند؟ اصل نخست، منبع‌گرایی معطوف به متن است؛ رویکردی که در تقابل با سندگرایی صرف قرار می‌گیرد. اصل دوم، تراکم اخبار است که اگر فرصت شود، توضیح خواهیم داد و اصل سوم، استنتاج‌های کلامی از اخبار تاریخی است؛ بخشی از اندیشه و نظریه سیاسی آیت الله العظمی میلانی در همین استنتاج‌ها جلوه‌گر می‌شود. از همین رو، کتاب «قادتنا» را می‌توان یکی از منابع مهم برای بازخوانی اندیشه سیاسی ایشان هم دانست؛ هر چند متأسفانه در پژوهش‌های مرتبط با آرای سیاسی آیت الله العظمی میلانی، این اثر کمتر مورد